

اشاره

این نوشته به مثابه مقدمه‌ای برای سلسله مقالاتی است که زیر عنوان شناخت قرآن و بررسی جایگاه این کتاب آسمانی در میان مذاهب و فرق اسلامی از شماره نهم تقدیم خوانندگان خواهد شد. امیدست فصلنامه میثاق امین، با ارائه چنین مقاله‌هایی گامی ولو کوتاه در معرفی بیشتر قرآن، برداشته و به وظیفه دینی خود عمل کرده باشد. نویسنده در این مقاله به عنوان مقدمه بحث کوشیده تا مفهوم بازگشت به قرآن را تبیین کند و ابعاد آن را بکاود. وی بر آن است تا با نگاهی به گذشته، و وضعیت تأسفانگیزی که در سده‌های اخیر در میان امت اسلامی پدید آمد، طرح شعار بازگشت به قرآن را ریشه‌یابی کند و نمایندگان فکری جریانهای مربوط به این شعار راهبردی را در اندیشه دینی معرفی نماید.

بازگشت به قرآن

(۱)

محمد مرادی*

معنا و مفهوم بازگشت به قرآن

بیش از یک سده است که در سرتاسر جهان اسلامی، شعار بازگشت به قرآن طنین افکننده و از سوی علاقه‌مندان به سرنوشت اسلام و امت، به بحث و گفت‌وگو گذاشته شده و از جمله مباحث جدی و تأمل برانگیز قرآنی است. بازگشت به قرآن چیست؟ ریشه‌ها و مبادی آن

* محمد مرادی (۱۳۳۷ -) دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه است. از وی تاکنون علاوه بر چندین جلد کتاب، مقالاتی نیز در نشریات علمی کشور چاپ و منتشر شده است. استاد محمد مرادی علاوه بر اینکه از محققان مرکز تحقیقات دار الحدیث و کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی است، در دانشگاه‌های قم و مفید نیز به تدریس اشتغال دارد.

کدام‌اند؟ تحقق آن چگونه ممکن می‌شود؟ هدف آن چیست؟ شرایط آن کدام است؟ چه کسانی آن را مطرح کرده‌اند و هدف اساسی آنها از طرح این شعار و اندیشه چه بوده است؟ این پرسش‌های بنیادینی است که در موضوع بازگشت به قرآن، باید پاسخ داد و ریشه یابی کرد.

بازگشت به قرآن را می‌توان به زبان عامیانه، رونق گرفتن بازار قرآن در میان مردم دانست؛ از چاپ و نگارگری و طراحی و صحافی زیبا و تجلید و قرائت و مسابقه دادن در آن و شخصیت جهانی شدن و رتبه آوردن، تا تفأل زدن و از بی تصمیمی در آمدن، تزئین سفره عقد و عروسی، بردن قرآن در میان قبرستان و برای مردگان تلاوت کردن، حرز قرار دادن قرآن و آن را به صورت عتیقه درآوردن، همه و همه، رونق بازار قرآن است. در این رونق یافتن، نوشتن آن با نوک سوزنی بس نازک بر روی دانه‌ای برنج و عدس تا تحریر هنرمندانه تمامی ۶۳۲۶ آیه آن بر روی یک برگ کاغذ و انتشار آن، هم جای دارد.

بازگشت به قرآن را می‌توان به گونه دیگری هم معنا کرد. قرآن را می‌توان به همه ابعاد صحنه زندگی آورد و آن را از دست «عمله اموات»^۱ نجات داد و از مهوریت بیرون آورد. می‌توان آن را کتاب درسی دینی قرار داد؛ یعنی از میان دروس علوم دینی، تنها به فقه و اصول و احیاناً به علوم عقلی بسنده نکرد و آن را کتاب آموزشی کرد و بدین‌سان آن را روزانه دید و خواند و شنید.^۲ فرو گذاشتن همه آموزه‌ها و توسل به لب و لباب کتاب خدا و قرائت نوین آن و نیز تسلیم ظواهر آن شدن و مسلمانی را خالص گردانیدن و از هر گونه خرافه و ناخالصی پالودن هم بازگشت به قرآن است. همان‌طور که بازگشت به قرآن، تأکید بر تلاوت و تداوم آن به منظور حفظ ظاهر قرآن نیز هست.^۳ یا می‌توان بازگشت به قرآن را بردن آن در لحظه لحظه زندگی انسان مسلمان دانست با تفسیری عمیق و همه‌جانبه و رسیدن به حاق معنا، و همه امور خود را بر اساس آن سامان داد و همه اندیشه‌های دینی را با آن مطابق کرد و فقه و اخلاق و باورها را با آن سنجید و آن را میزان و مینا قرار داد که گفته‌اند: قرآن میزان

۱. محمد بسته‌نگار، مناره‌ای در کویر، مجموعه مقالات آیت‌الله طالقانی، تهران، قلم، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶.

۲. محمد اسفندیاری، پیک آفتاب، پژوهشی در کارنامه زندگی و فکری آیت‌الله طالقانی، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۳، ص ۳۳۱.

۳. محمد الغزالی، کیف تعامل مع القرآن، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۰۲ق، ص ۳۱.

تشخیص درستی حدیث نقل شده از پیامبر و امام هم هست.^۱ همچنین بازگشت به قرآن، به معنای تحصیل تجربه دینی با قرآن است؛ به گونه‌ای که اگر با مراجعه به قرآن، کسی تجربه‌ای به دست آورد، بازگشت تحقق پیدا کرده است.^۲ اینها همگی می‌توانند بازگشت به قرآن باشند. اما آیا در بازگشت به قرآن، همه اینها مقصودند؟ و یا برخی منظور اصلی‌اند و برخی دیگر، شاخ و برگ، و پاره‌ای هم زینت و تشریفات؟

در بحث بازگشت به قرآن، پرسشی از نوع دیگر هم مطرح شده و آن، معرفی دو گونه قرآن، به عنوان قرآن اشرافیت که در کاخهای قدرتمندان جایگاهی ویژه و مقدس دارد و قرآن دیانت و عدالت که مظهر آن علی است. گفته شده که اگر قرار است بازگشتی به قرآن صورت بگیرد، بازگشت به کدام قرآن خواهد بود: قرآن کاخ‌نشینان و زنده ساختن اشرافیت قریش و...؟ یا قرآنی که تجلی آن عدالت است؟^۳ در این نگاه دومی، قرآن، کتاب حیات و جنبش و در نگاه نخست وسیله‌ای در دست قدرتمندان و اشراف برای مشروعیت بخشی به خود و قدرتشان معرفی شده است.

از کلمه بازگشت، نوعی ارتجاع، عقبگرد و رفتن به گذشته تداعی می‌شود. به راستی، آنچه در پس این شعار نهفته، خیزشی به پیش و آینده است و یا برگشتی به پس و گذشته؟ دو جریان تاریخی و راهبردی را می‌توان نشان داد که این شعار را نمایندگی می‌کنند. یک بازگشت به ظاهر و نص قرآن و تبعیت از آن. در این نگاه، قرآن، اصل و اساس است و نص و ظاهر قرآن، مقیاس همه آموزه‌ها قرار می‌گیرد و هیچ تأویلی هم در آن راه پیدا نمی‌کند؛ در حدی که حتی آیات متشابه، محکم پنداشته می‌شود و همه الفاظ آن به معانی ظاهری تعبیر و تفسیر می‌گردد.^۴

۱. از رسول خدا نقل است: «یا ایها الناس! ما جاءکم عنی یوافق کتاب الله فأنأ قلته و ما جاءکم یخالف کتاب

الله فلم أقله.» کلینی، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۶۹.

۲. مجتهد شبستری، در کتاب نوگرایی دینی، گفتگوی حسن یوسفی اشکوری با...، تهران، قصیده، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱.

۳. نک: مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ص ۳۸۱ و ۳۸۲.

۴. در این دیدگاه، حتی در آن دسته از آیات مربوط به پدیده‌های طبیعی مانند خورشید که امروزه بر اساس

دو. به روز و همگام با تحولات دیدن آیات قرآن و اندیشه‌ورزی در آنها. در این نگاه بسیاری از مفاهیم دینی بازشناسی می‌شود و تحلیل عقلی می‌گردد. گویی عقل در این نگاه در کنار آموزه‌های دینی قرار گرفته و ناظر به آنهاست، آنها را تفسیر می‌کند و سره را از ناسره باز می‌شناسد و می‌تواند به حقیقتی از دین راه یابد.

بر این اساس، از شعار بازگفته، هر دو معنای کاملاً رویارو قابل فهم است. از خاستگاه این شعار و نتیجه‌ها و آثاری که در پی داشته، می‌توان نشانهایی به دست آورد که کدامیک مقصودند. این شعار را که تحولات گسترده‌ای در نگرش و عملکرد مسلمانان پدید آورده، مسلمانان روشنفکر و مصلحان دینی سر داده‌اند. آنان دردی جانکاه را در ژرفای جان مسلمانان و جهان اسلامی احساس نمودند و درمان آن را در بازگشت به هویت اسلامی

ط رهاورد دانش تجربی، چگونگی کار و تحولاتش روشن شده است، همان معنایی که در میان مفسران کهن رایج بوده، پذیرفته می‌شود. برای نمونه در ذیل آیه ۳۳ سوره ابراهیم که در آن از خورشید و ماه و مدار آنها سخن به میان آمده، از حرکت دائم خورشید سخن گفته شده است (قنوجی، فتح البیان فی مقاصد القرآن، المكتبة المصرية، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۱۱۸؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، شركة الدار القبلة و مؤسسة علوم القرآن، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ص ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸). و نیز آن دسته از آیات مربوط به خدا که به نوعی از جسمانیت خدا سخن گفته، به همان معنای ظاهری حمل می‌شود. قنوجی سلفی در باره آیه «و جاء ربك و الملك صفاً صفاً» (فجر، آیه ۲۲)، پس از نقل اقوالی نوشته است: حق آن است که این آیه، از صفاتی سخن گفته که باید در باره آنها خاموش بود و آنها را به همان حال باقی گذاشت. تأویل نیز کار متکلمان و دأب متأخران است و چنین کاری خلاف دأب سلف است (فتح البیان، ج ۱، ص ۲۳۰). همو در باره آیه «وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة» (قیامت، آیه ۲۳ و ۲۳) گفته است: یعنی آشکارا و بدون حجاب به خدا نگاه می‌کنی (همان، ج ۱۴۲، ص ۴۴۲). وی در ادامه افزوده که ادله کتاب و سنت و اجماع صحابه، بر اثبات رؤیت خداست (همان، ج ۱۴، ص ۴۴۴). آلوسی هم در تفسیر این آیه گفته است: من هم به این نظر متمایلیم که خدا دیدنی است. «و کأنتی بک بعد الاحاطة و تدقیق النظر، یمیل الی أنه سبحانه و تعالی یرئی» (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۶، ص ۲۵۰). آلوسی با همین دیدگاه در تفسیرش، از خواب دیدن خدا نیز سخن به میان آورده (همان، ج ۹، ص ۲۱۰) و اینکه خود او سه بار و بار سوم در سال ۱۲۴۶ ق خدا را در خواب دیده و با خدا ساعاتی را خوش و بش کرده است (همان، ج ۶، ص ۷۷).



جست‌وجو کردند. البته گزاره‌های تاریخی این ادعا را برتر از فرضی به اثبات می‌رسانند که بازگشت به قرآن، صرفاً به مثابه درمان دردهای جامعه و امت اسلامی ارائه شده است. مطرح‌کنندگان بازگشت، تعریف دقیقی از این شعار ارائه نکرده‌اند، اما می‌توان با بازخوانی سخنانشان، خواست و اندیشه آنان را بازشناسی کرد.

انگیزه و دلیل طرح بازگشت به قرآن

قرآن از زمان نزول به جان و دل پیامبر، کتاب اول دین اسلام بوده، اما گویی در طول زمان، نگاه به این کتاب دچار تحول شده و گاه و یا در بسیاری از دورانها، به حاشیه رانده شده و نقش اول خود را نداشته است. از این رو، بازگشت به قرآن، نوعی اندیشه اصلاحی است که در سده اخیر مطرح شده است و منشأ و انگیزه آن می‌تواند یکی از دو علت باشد:

یک. ساماندهی سیاسی و اجتماعی مسلمانان و درآمدن از حالت انفعال و رکود و خمود و جمود و سکون و عقب‌ماندگی، و بر اساس درک دینی و دینداری بر گرفته از قرآن کریم، فعال شدن و به رشد و تعالی و ترقی و اندیشمندی دست یافتن است. در این نگرش، مصلحان مسلمان در پی بازیافت عزت از دست رفته، طالب اصلاحگری بودند تا از درد مشترکی که از آن رنج می‌بردند، رهایی یابند. آنان علاج درد خویش را در کتاب دینی خود، قرآن، جست‌وجو می‌کردند و می‌کنند. در این باره، همه کسانی که دغدغه دینداری و همگام کردن فهم دینی با تحولات عصری دارند، تقریباً کلام واحدی دارند. رشید رضا در مقدمه تفسیر المنار به صراحت از این درد مشترک و علاج آن چنین یاد کرده است:

ما بر این باوریم که ضعف مسلمانان و از دست دادن گستره وسیع جغرافیای اسلامی، جز با روی‌گردانی از قرآن نبود و جبران ضعف و بازگشت به عزت و سیادت و کرامت، جز با رجوع به قرآن ممکن نیست.^۱ شیخ حسن عطار، مقدمه نویس کتاب العوده الی القرآن، نوشته دو برادر شیعی قطیفی، بازگشت به قرآن را راه نجات بشر از رنج و فلاکت و نیل به عزت و شوکت معرفی کرده است.^۲

۱. محمد رشید رضا، المنار، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، مقدمه، ص ۳۱.

۲. احمد قاسم، العوده الی القرآن، مصر، مکتبه مدبولی الصغیر، ۱۹۹۷ م، ص ۱۱.

احمد عبدالحلیم عطیه هم طی مقدمه‌ای که بر کتاب العوده الی القرآن، اثر قاسم احمد، نوشته، این نکته را یادآوری کرده که بازگشت به قرآن برای بازشناسی دین و بازسازی اجتماعی و رفع عقب ماندگی مسلمانان، ضروری است.^۱

نویسنده این کتاب، در مقدمه خود، از بازگشت مسلمانان به قهقرا و تن دادن به خواری و پستی و وجود بیش از هفتاد میلیون عرب زیر خط فقر و ده میلیون عرب که به کمبود مواد غذایی مبتلایند، یاد کرده و از نادیده گرفتن حقوق کودکان سخن گفته و از فقر و فلاکت در میان مردم مسلمان، به خصوص در افغانستان، فریاد بر آورده است. وی در ادامه از جنگهای خانمان سوز داخلی در لبنان در سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ و جنگ دو کشور اسلامی ایران و عراق که میلیاردها دلار خسارت به بار آورد و جنگ خلیج فارس و آوارگی پنج میلیون مسلمان در سرتاسر جهان سخن گفته و با استناد به آیه «فنبذوه و رأء ظهورهم واشتروا به ثمناً قليلاً فبئس ما یشترون»^۲، ریشه آنها را نادیده گرفتن قرآن شمرده است. او در ادامه از کلام امام علی(ع) یاد کرده که در آن از آینده قرآن سخن گفته و فرموده است که از قرآن، تنها نگارش آن و از اسلام، تنها اسم آن باقی می ماند: «یأتی علی الناس زمان لا یبقی فیهِ من القرآن إلا رسمه و من الإسلام إلا إسمه»^۳ او آن گاه تنها راه نجات و رسیدن به وحدت و پیشرفت فرهنگی و بازگشت به مجد و عظمت را بازگشت به قرآن معرفی کرده است.^۴

احمد کفتارو هم در گفتاری پیرامون راهکارهای بازگشت به قرآن، با طرح ابهام ویل دورانت در باره تحول تمدنی در هزاره هفتم میلادی، و ذکر این نکته که قرآن مسلمانان را به تمدن آفرینی واداشت، می گوید:

با بررسی و دقت، در می یابی که در پشت آن رخداد، یک ریشه و عامل وجود داشت و آن، قرآن، این کتاب عظیم بود که بر پیامبر نازل شده بود. وی در جای دیگری بازگشت به قرآن و زنده کردن آن در جانها را در گرو این می داند که

۱. همان، ص ۲۶.

۲. آل عمران، آیه ۱۸۷.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹.

۴. العوده الی القرآن، ص ۲۶.

قرآن به صورت قانون برای زندگی دنیایی و اخروی مردم درآید.^۱ وی آن‌گاه نمونه‌هایی از پرداختن به صنعت و کشاورزی و سربلندی و عزت را در قرآن نشان داده است.^۲

همچنین در میان اندیشمندان مسلمان، محمد غزالی در نوشته‌ای عتاب آلود، وضع نابسامان و رنج آلود مسلمانان را معلول دوری از قرآن دانسته و می‌نویسد:

اگر مسلمانها در تمامی قرآن به درستی می‌نگریستند و دقت می‌کردند، هرگز دچار چنین تسلیم و سقوط و استبداد و ستم اجتماعی نمی‌شدند. همین عبرت از قصه‌های قرآن، کافی بود که آنها را از سقوط باز دارد. اما مشکل از آنجا آغاز شد که قرآن از زندگی مسلمانان کنار گذاشته شد.^۳

همان گونه که این نوشته‌ها نشان می‌دهد، مصلحان یاد شده، هم از عقب ماندگی مسلمانان اندوهگین‌اند و بر آن تأکید می‌ورزند و هم آن را معلول دوری از کتاب خدا معرفی می‌کنند. البته نباید این حقیقت را در تحلیل واقعیت‌های موجود در برخی از مناطق جغرافیای اسلامی و نیز در میان جمعی از مسلمانان، نادیده گرفت که پاره‌ای از اندیشه‌ها و باورهای دینی مانند تقدیر، صبر، قناعت، زهد و دنیاگریزی، که در طول زمان در اندیشه مردم رسوخ کرده، نادرست فهم شده و همین از عوامل خمود و سکون بوده است. در واقع، جمود در فهم پاره‌ای از مفاهیم دینی باعث شده که خمود پدید آید. این دسته از اندیشمندان اسلامی به این باور رسیدند که با اتکا به قرآن باید در درجه نخست، جهان بینی و بینش و اندیشه مسلمانان را تصحیح کرد تا بتوان آنها را به حرکت واداشت. زبان حال آنان همان است که اقبال در جاوید نامه‌اش سروده است:

نقش قرآن تا در این عالم نشست نقش‌های کاهن و پاپا شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمّر است این کتابی نیست چیز دیگر است
چون به جان دریافت جان دیگر شود جان چو دیگر شد جهان دیگر شود
مثل حق پنهان و هم پیداست این زنده و پاینده و گویاست این

۱. القرآن الکریم علوم و آفاق، مؤتمر اقامته المستشارية الثقافية للجمهورية الاسلامية الإيرانية في مكتبة الاسد، ۱۹۹۴، ص ۲۷، مقالة «منهج العودة الى القرآن».

۲. همان، ص ۲۸ - ۳۲.

۳. كيف نتعامل مع القرآن، ص ۱۹۱.

اندرو تقدیرهای غرب و شرق

سرعت اندیشه پیدا کن چو برق^۱

بازگشت به قرآن، در واقع جنبشی است که باید آن را برخاسته از جنبش اصلاح‌طلبی در میان مسلمانان نواندیش دانست.^۲ نماد و پیشوای این حرکت، سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ - ۱۳۱۴ ق) است. او برای بار نخست، در قرن چهاردهم/نوزدهم، دریافت که مسلمانان دچار یک بیماری اند و آن عقب‌ماندگی است. وی برآن بود که دلیل عقب‌ماندگی آنان، دوری از اصل خویش بوده است. گذشته آنها نیز نشان از این واقعیت داشت که مسلمانان مردمانی ذاتاً عقب‌مانده نیستند و در قرنهای گذشته خوش درخشیده‌اند. بنا بر این، و با توجه به آن واقعیت تاریخی، او به درستی فهمیده بود که راه نجات، بازگشت به همان چیزی است که آنان را به صدر نشانند و جهان را به سوی تمدنی نوین هدایت کرد و آن، همانا اسلام اصیل و اصل اسلام است و اسلام هم از قرآن تولد یافته است.^۳

محمد عبده (م ۱۳۲۳ ق)، شاگرد سید، در ادامه راه مشکل اساسی را در دوری مسلمانان از اندیشه‌های اسلامی دانست و حرکت خود را برای پر کردن این خلأ، به اندیشه‌سازی متمرکز کرد. رشید رضا (۱۲۸۲ ق / ۱۹۳۵ م) نیز همان ممشای استادان خود را پی‌گرفت و ادامه داد. وی که روزگاری در طرابلس شام در پی تصوف و عرفان بود، در یک اتفاق، مجله العروة الوثقی را که حاوی مقاله‌هایی از عبده بود، دید و دچار یک دگرذیسی مثبت شد و مشی خود را تغییر داد. او از نوشته‌های عبده چنین استنباط کرده بود که راه تعالی بشر در دین اسلام نهفته است و دین اسلام، دین سیادت و سلطانی و سعادت دنیوی و اخروی است.^۴

۱. دیوان اقبال، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱، ص ۳۶۸.

۲. برای توضیح بیشتر در زمینه اصلاحگری در دوران معاصر، رک به: مقاله «اصلاح و اصلاح‌طلبی، دائرة المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۹ - ۲۴۱.

۳. برای توضیح بیشتر در این زمینه، رک به: مقاله «سقراط خراسان»، از حسن یوسفی اشکوری در: جعفر پژوه، یادنامه استاد محمدتقی شریعتی، تهران، نشر خرم، ۱۳۷۰، ص ۱۹۴ و نیز مقاله «اصلاح و اصلاح‌طلبی» در

دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۲۹ - ۲۴۱.

۴. المنار، ج ۱، ص ۱۱.

این حرکت، همزمان به دلیل مشکلات مشترک مسلمانان و تأثیر سید جمال در شبه قاره و مصر، از آن دیار آغاز شد. در شبه قاره، اقبال لاهوری (۱۲۵۶ - ۱۳۱۷ ش) و ابوالکلام آزاد (۱۸۸۸ - ۱۹۵۸ م) و سر سید احمد خان (۱۸۱۷ - ۱۸۹۸ م)، این اندیشه را مطرح و رهبری کردند. دو. بازگشت به قرآن، صرفاً نگاهی معرفتی است و تحولات اجتماعی در آن چندان دخیل نیست. در این نگاه، اندیشمند دینی در پی بازسازی اندیشه و عقیده دینی است که در آن اساطیر و خرافه‌ها و تفسیرهای نادرست و دوری از اصالت دین و ... راه پیدا کرده و حقیقت دین در لایه‌های غبارهای گذر زمان و دست‌کاریهای فرهنگی و سیاسی مدفون شده است. احیاگر در این نگاه می‌کوشد تا به ریشه دین باز گردد و بر اساس آن، اندیشه‌ها و باورهای دینی را بازسازی کند و به حقیقت دین و دین حقیقی برسد. در این نگاه، قرآن، معیار، ملاک و میزان قرار می‌گیرد و همه چیز با آن سنجیده می‌شود. این نگاه، معرفت‌شناسانه است و بر اساس آن، قرائتی نو از آموزه‌های دینی صورت می‌گیرد و هدف نهایی، پاک‌دینی است. البته بدون این نگاه معرفتی، آن اولی ممکن نیست، اما نگاه عملگرایانه به مقوله اصلاح اجتماعی، می‌تواند بدون توجه به اصول نظری و مبنایی نیز جامعه عمل بیوشد. البته در هم تنیدگی این دو، نتایج بهتر و دقیق‌تر و ریشه‌دارتری دارد.

بازگشت نوع دوم، می‌تواند دو قرائت داشته باشد:

یک. اینکه قرآن را به شیوه ظاهرگرایان و یا سلفیان با همان بساطت نخستین و اخذ به ظاهر ببینیم و هیچ‌گونه تصرف و تأویلی در آن نکنیم.

دو. اینکه فهم قرآن را بازسازی کنیم تا عصری و قابل دفاع عقلانی باشد. به تعبیر دیگر، شیوه نوی در فهم و ارائه مباحث قرآن با توجه به آگاهیهای جدید و نیازهای عصر به کار ببریم.^۱ چیزی که احمد کفتارو به صراحت از آن چنین یاد می‌کند: «فالی القرآن من جدید»^۲ بر اساس تعریف دوم از بازگشت به قرآن، عقل بر صدر می‌نشیند و تفسیر عقلی و اجتهادی اوج می‌گیرد. همچنین دین از آن دسته از آموزه‌هایی که تأویل و یا تفسیر قابل قبول

۱. برای آگاهی بیشتر، رک به سید محمدعلی ایازی: قرآن و تفسیر عصری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۷۶، ص ۲۹ - ۴۷.

۲. القرآن الکریم علوم و آفاق، ص ۳۲.

عقلی نمی‌یابند، پالایش می‌شود و آنها به حاشیه رانده می‌شوند. در واقع، به تعبیر استاد خرمشاهی، نوعی نو اعتزالی آغاز می‌گردد.^۱ در همین دوره است که آیات و روایات مربوط به عقل و اندیشه‌ورزی، از لابه‌لای کتابهای دینی، استخراج و برجسته‌سازی می‌شود.^۲ جان کلام در این نگاه، توجه به جایگاه عقل و تجربه بشری در اندیشه دینی است. اندیشمندان دینی در این رویکرد، تلاش می‌کنند تا تکلیف دین خود را با تحولات علمی و مدرنیته روشن کنند. بنا بر این، ناگزیر متون دینی را به گونه‌ای تفسیر و تحلیل می‌کنند تا با تحولات سازگار افتد: «لابدّ اذن من تفسیر يحمل في جنباته نظريات و تحقیقات علمية و استنباط ما يستفاد من الآيات من الكونية.»^۳

گفتنی است: حرکت بازگشت به قرآن، همانند بسیاری از حرکت‌های فکری، به سلامت راه نپیمود و دچار افراط و تفریط شد. همه آموزه‌های دینی در نگاه شماری از رهبران فکری و یارهای آن، در چنبر تفسیر و تأویل علمی گرفتار آمد و شماری به دلیل ناموجه تشخیص داده شدن، تعطیل شدند و برخی هم بی‌وجه و بی‌مایه، تأویل گردیدند. شعار بازگشت به قرآن، مرز مشخص شکست ناپذیری نداشت که همگان آن را پاس دارند و از خط آن عبور نکنند. این شعار می‌توانست هم شعار سنت‌گرایان سلفی و هم شعار اصلاح‌طلبان دینی باشد. آنان برای حفظ ساختار موجود و اینان برای آغاز حرکتی ساختار شکن آن را می‌خواستند. این شعار به مثابه تیغ دو لبه‌ای بود که لبه‌ای از آن به کار محافظه‌کاران سنتی و لبه دیگر به کار نو خواهان

۱. بهاء‌الدین خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴، ص ۲۰. گفتنی است که جناب استاد خرمشاهی در زمینه بازگشت به قرآن، با همین عنوان، مقاله‌ای خواندنی و ارزشمند و مفید نگاشته که در این کتاب به چاپ رسیده است.

۲. برای نمونه، نک: عقل الانسان في الفلسفة و الطب و القرآن، اسعد سحمرانی، ترجمه مهدی حسین جلال؛ العقل و العلم في القرآن الکریم، یوسف قرضاوی؛ العقل الاسلامي، عبدالکریم آل شمس الدین؛ العقل و الايمان في نظر القرآن، فيصل بعلکی؛ العقل في الاسلام، محمد سعید عشاوی؛ عقل و عاقل از دیدگاه قرآن و سنت، کیومرث آذریان؛ جایگاه عقل و دانش در اسلام، صادق صالحان؛ عقل در سه دین بزرگ آسمانی، زرتشت، مسیحیت و اسلام، محمد منصور نژاد؛ عقلگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، شادی نفیسی.

۳. حسیب السامرائی، رشید رضا المفسر، بغداد، دار الرسالة للطباعة، ۱۳۹۸ ق، ص ۱۷۱.

سنت شکن می‌آمد. به هر حال، حفظ سنت و جنبش برای حرکت و قیام، هر دو از این شعار بر می‌آمد و از همین رو، فراز چندانی نیافت و همگان در تحت لوای آن گرد نیامدند، هر چند تحولی بزرگ در سایه آن پدید آمد.

ضرورت بازگشت به قرآن

قاسم احمد در کتاب خود، در بحث از ضرورت بازگشت به قرآن، این سخن کانت (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م) را که اروپا با تمسک به آن به تحولی شگفت دست یافت و به تکنولوژی پیشرفته نایل آمد، ذکر کرده است: «المغامرة من أجل المعرفة؛ برای فهمیدن دلیری کنید.» قاسم گفته: جهان اسلام هم در مراحل آغازین جنبش دوم، باید همین شعار را نصب العین خود قرار دهد. شعار جنبش اسلامی هم شایسته است که چنین باشد: «المغامرة من أجل المعرفة بتوجيه من القرآن؛ برای فهمیدن با رویکرد قرآنی دلیری کنید.»^۱ او در ادامه با اعلام اینکه رشد و توسعه در اروپا هم مرهون تعالیم قرآن است، سعی کرده تا هم مسلمانان را تشجیع کند و هم محصول روی آوردن به قرآن را در یک فرایند تجربی بنمایاند.^۲

پیدایش رنسانس در غرب و جهش علمی عظیم و اختراع صنعت چاپ و در هم نوردیدن مرزهای سیاسی و عقیدتی و گسترش آگاهی در میان مردم، اندیشه بشر را دگرگون کرد و انسان، اکنون با مشاهده دستاوردهای علمی، خود را سازنده و تغییر دهنده جهان می‌داند. از سوی دیگر، فقر و فلاکت و عقب‌ماندگی به همراه حاکمیت دولتهای خودکامه در جهان اسلامی و سیطره دولتهای استعماری انگلیس، فرانسه، اسپانیا، پرتغال و هلند در اقصی نقاط عالم اسلامی، از آفریقا تا خاور دور، دست به دست هم داد و رهبران و مصلحان اجتماعی و دینی را به حرکت و تکان واداشت.

احساس عقب‌ماندگی و تحت سیطره استعمارگر مسیحی بودن، در برابر تحولات شگرف غرب و کنار زدن مذهب و کلیسا از عرصه زندگی عمومی در دوران رنسانس در مغرب زمین، از سویی تأثیر بسیار شکننده‌ای در مسلمانان داشت و از سوی دیگر آنان را به اندیشه فرو برد.

۱. العودة الى القرآن، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۱۴۱.

رهبران مسلمان در برابر هجوم بی‌امان اندیشه ضد دینی غرب و جبران عقب ماندگی، دو راه در پیش داشتند: دست کشیدن از عقاید و باورهای دینی خود که جمعی چنین کردند؛ و تجدید نظر در رفتارها و باورهای دینی و پویا سازی آن، و این البته طرفداران بیشتری داشت. شاید اولین واکنش اندیشمندان در برابر احساس یاد شده، تجدید قرائت از دین بود. این حرکت نوین در میان مسلمانان در شبه قاره، ایران، جهان عرب، آسیای مرکزی و قفقاز و قلمرو دولت عثمانی، آغاز شد و شتاب گرفت و همزمان در همه جهان اسلامی، مصلحان اجتماعی و دینی تلاش جدی و مستمری را شروع کردند.^۱ در چنین فضایی، بسیاری از پژوهشگران مسلمان به رویکردهایی در قرآن راه یافتند که ناظر به دستاوردهای علمی روز بود و این البته تنها تلقی آنان از آیات قرآن نبود. آنان مشکل خود را تنها در عقب ماندگی علمی نمی‌دیدند، که در ساختار اجتماعی هم می‌دیدند. از این رو، آزادی طلبی، آرزوی بنای مدینه فاضله، توسعه و رونق اقتصادی و رشد علمی، محورهایی بودند که اندیشمندان دینی پی گرفتند. به دلیل ساختار فکری مسلمانان که همه چیز را از روزنه دین می‌دیدند، همه آنچه آمد، در نگاه آنان با قرائتی نو از قرآن میسر می‌شد و به دست می‌آمد.

بازتابها

سروش بازگشت به قرآن، از سوی مسلمانان روشن ضمیر، جنبشی تحسین برانگیز بر پا کرد. در عرصه تحقیقات در حوزه مباحث قرآنی و در حوزه تحولات اجتماعی و علمی، جهشی بی‌سابقه پدید آمد. تنها نیم‌نگاهی به فعالیتهای پژوهشی قرآنی نشان می‌دهد که اوج‌گیری شعار بازگشت به قرآن، هم نگارش تفسیرهای تربیتی و تجزیه‌ای برای قرآن و هم نگارش تفسیرهای موضوعی را در دستور کار محققان و قرآن پژوهان قرار داد و هم تک‌نگاریهایی را پدید آورد که نویسندگان در آنها مفاهیم جدید علمی، اجتماعی و سیاسی را بر اساس آیاتی از قرآن، تجزیه و تحلیل کردند.

در جهان اسلامی برای اثبات اعجاز علمی قرآن، مسابقه شورانگیزی بر پا شد.^۲ بیش از

۱. برای توضیح بیشتر، ر.ک به: مقاله «اصلاح طلبی»، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۲۲۱ - ۲۶۰.

۲. برای نمونه، ر.ک به: وجوه متنوعه من الاعجاز العلمي في القرآن الكريم، عبدالبدیع حمزة زللی؛ أنت تسأل و الشیخ

ده قرن، قرآن پژوهان از معجزه ادبی و بلاغی قرآن و پیش‌گوییهای تاریخی آن سخن می‌گفتند و اکنون در عصر شعار بازگشت به قرآن، بحثها به کشف رموز علمی قرآن و انطباق آن با دستاوردهای علمی^۱ و نیز بحث و بررسی راهکارهای رسیدن به جامعه‌ای رشد یافته و عادلانه و شناخت آسیبهای اجتماعی و معرفی جامعه‌های آرمانی بدل شد و بر مبنای آیات قرآن در دستور کار پژوهشگران قرار گرفت.

این همه، واکنشی در برابر پیشرفتهای علمی و طرح حقوق بشر، عدالت اجتماعی و اقتصادی در جوامع دیگر بود، اما تأثیری ژرف، ماندگار و نشاط‌انگیز در پی داشت و از وادادگی بسیاری از مسلمانان جلوگیری کرد و برای کسانی که در برابر رهاوردهای علمی غرب و علم و اندیشه غربیان احساس خودباختگی و عقب ماندگی می‌کردند، دارویی آرامش بخش بود. در این تلاش، زهر هجوم بی‌امان به قرآن از سوی غربیان و پاره‌ای از مخالفان باورهای دینی گرفته شد. مسلمانان کوشیدند تا تعارض احتمالی میان آموزه‌های دینی و دستاوردهای علمی را که در غرب بر سر زبانها افتاده بود، حل کنند و حوزه مباحث معرفتی تعارض علم و دین را از ساحت قرآن نفی کنند و گاه هم آنها را به آموزه‌های عهدین نسبت دهند و قرآن را عاری از چنین نقیصه‌ای معرفی نمایند.^۲ هر نحله فکری، بر اساس خاستگاه اندیشه خود به قرآن روی آورد و پر شتاب و فراگیر، کوشید تا از این کاروان عقب نماند و در این جنبش عظیم شرکت کند. در این دوران، نگارش تفاسیر با رویکرد علمی و اجتماعی و به منظور ارائه یک مکتب تمام عیار در عرصه‌های گونه‌گون در جهان اسلامی، به صورت چشمگیری افزایش یافت. در

ط الزندانى يجب حول الاعجاز العلمى في القرآن و السنة، عبدالمجيد الزندانى؛ ناصيل الاعجاز العلمى في القرآن و السنة، عبدالمجيد الزندانى؛ الاعجاز الطبى في القرآن و الاحاديث النبوية، عبدالرزاق السعيد؛ الموسوعة العلمية في الاعجاز العلمى القرآنى، سمير عبدالحليم؛ معجزات الأرقام في القرآن، حسين سليم؛ الآيات العلمية في القرآن، على محمد على دخيل؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمد علی رضایی.

۱. برای نمونه، ر.ک به: عبدالغنی الخطیب، قرآن و علم امروز، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۶۲. در این کتاب، از پدیده‌شناسی و ماده و زندگان و تحولات ژنتیکی و حیات در کرات آسمانی و... سخن گفته شده است.

۲. ر.ک به: دکتر بوکای، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد، بی‌تا.

یک کلام، می‌توان گفت که تفسیر در این دوره، عمدتاً با همین نگاه و رویکرد نوشته شده است. البته تفاسیر دیگری هم به سبک و سیاق سنتی و کهن به نگارش در می‌آید، اما در قیاس با رویکرد جدید، رونق چندانی ندارد. برای نمونه، در این دوره، در شبه قاره تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان^۱ از سید احمدخان (۱۲۳۲ - ۱۳۱۶ ق)، الهام الرحمن فی تفسیر القرآن، نوشته عبیدالله سلام سندی (۱۸۷۲ - ۱۹۴۴ م)، ترجمان القرآن از ابوالکلام آزاد (۱۸۸۸ - ۱۹۵۸ م)، تفهیم القرآن از ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳ - ۱۹۷۹ م)؛ در مصر، المنار از عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ ق) و رشید رضا (۱۲۸۲ - ۱۳۵۴ ق)، الجواهر فی تفسیر القرآن از سید محمد طنطاوی (۱۲۸۷ - ۱۳۵۸ ق)، تفسیر المراغی از محمد مصطفی مراغی (- ۱۳۶۴ ق)، تفسیر القرآن الکریم از عبدالقادر المغربی (۱۲۸۴ - ۱۳۷۵ ق)، فی ظلال القرآن از سید قطب (۱۹۰۳ - ۱۹۶۶ م)، المصحف المیسر و صفوة الفرقان فی تفسیر القرآن از محمد فرید وجدی (۱۸۷۸ - ۱۹۵۴ م)، من هدی القرآن از محمود شلتوت (۱۸۹۳ - ۱۹۶۳ م)، التفسیر القرآنی للقرآن از عبدالکریم خطیب (- ۱۳۳۹ ق)؛ در سوریه، محاسن التأویل از جمال الدین قاسمی (۱۲۸۳ - ۱۳۳۲ ق)؛ در لبنان، الکاشف از محمد جواد مغنیه (۱۳۲۲ - ۱۴۰۰ ق)؛ در الجزایر، تفسیر القرآن الکریم از بن بادیس (۱۳۰۵ - ۱۳۵۹ ق)؛ در ایران، پرتوی از قرآن، اثر سید محمود طالقانی، تفسیر نوین از محمد تقی شریعتی، المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف سید محمد حسین طباطبایی (۱۳۲۱ - ۱۴۰۲ ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن از محمد صادقی (۱۳۴۶ ق -)، تفسیر نمونه، اثر جمعی از نویسندگان حوزه علمیه قم؛ و در عراق، هدی و شفاء^۲، از شیخ محمد خالصی زاده (۱۳۸۳ ق) به نگارش در آمدند که هر یک با روش اجتهادی و عقلی و با رویکرد علمی - اجتماعی ناظر به رخدادهای دوران خود بودند.

نیم‌نگاهی به این تفاسیر نشان می‌دهد که رویکرد به تفسیر نگاری نوین، از شرق عالم اسلامی آغاز شد و تا پایانی‌ترین نقطه غربی آن کشیده شد. در واقع این حرکت، جهانی گردید و اثر جاودانی بر جای گذاشت و البته نتیجه مبارک بیداری امت اسلامی را نیز به همراه داشت.

۱. این تفسیر را سید محمد فخر داعی گیلانی (۱۳۴۲ ق)، به فارسی برگردانده است.

۲. تفسیری است استدلالی، اجتماعی، سیاسی و علمی در ۲۲ جلد.

چرا بازگشت به قرآن؟

این سؤال شاید از جدی‌ترین پرسشهای مربوط به بحث بازگشت به قرآن باشد: چرا مصلحان دینی، برای گریز از عقب‌ماندگی و احیای ماهیت دینی مسلمانان، به جای بازگشت به دین ناب، بازگشت به قرآن را شعار اصلی خود قرار دادند؟ در این میان، کسانی هم بودند که شعار بازگشت به دین و اسلام را مطرح کرده‌اند،^۱ اما بازگشت به قرآن، رونق و جلوه دیگری داشت. برای پاسخ دادن به این پرسش، باید نگره اصلی مصلحان را در طرح این شعار مد نظر قرار داد؛ به این معنا که آنان چه اندیشه و راهکاری برای جبران عقب‌ماندگی امت اسلامی ارائه کرده‌اند. راقم این سطور بر این باور است که راهبرد طرح‌کنندگان و یا لاقلاً تعدادی از طراحان بازگشت به قرآن، بر این بود که اگر امت اسلامی بخواهد به هویت دینی خود بازگردد و آن را بازسازی کند و از تفرقه و اختلاف و کشمکش درونی بپرهیزد و بر مشکلات خود فائق آید، درمان آن در یک چیز ممکن است و آن مشخص کردن تکلیف خود با پاره‌ای از متون دینی است. آنان از یک سو تفرقه در میان مسلمانان و از سوی دیگر، یکی از موانع پیشرفت در میان امت اسلامی را وجود پاره‌ای تعالیم دینی می‌شمردند که در متون حدیثی وجود دارد. یک واقعیت تاریخی می‌گوید که مسلمانان - مانند هر امت دیگری - دچار پراکندگی و تفرقه شدند. اگر چه این پراکندگی می‌تواند عوامل گوناگونی داشته باشد، بی‌تردید در این میان یک عامل و یا یک ریشه بیشترین نقش را دارد و آن، برخی از باورهای مذهبی است. فرقه‌های دینی و مذهبی از کجا پدید آمده‌اند؟ بی‌گمان، ریشه نحلها و گروههای مذهبی، پاره‌ای از تعالیم حدیثی‌اند. فرقه‌ها وجود خود را وامدار حدیث بوده‌اند. هر یک از آنها راه خود را بر اساس آموزه‌های حدیثی، از دیگر مسلمانان جدا کردند و آن‌گاه باورهای خود را به آیاتی از قرآن نیز مستند نمودند. به عبارتی، حدیث منشأ وجود اختلافات کلامی و پیدایش فرقه‌های مذهبی و نیز ریشه اختلافات فقهی و پیدایش مکتبهای فقهی شد: «الحدیث یفرق و القرآن یجمع»^۲.

۱. برای نمونه، ر.ک. به: «پس به کدام خویشان برگردیم؟... در یک کلمه: تکیه ما باید به همین خویشان فرهنگی اسلامی‌مان باشد و بازگشت به همین خویشان را باید شعار خود کنیم.» مجموعه آثار دکتر علی شریعتی،

ج ۲۰، ص ۲۷ و ۳۱.

۲. العوده الی القرآن، ص ۱۰.

هر گروهی، پس از آنکه راه خود را بر اساس حدیث تنقیح کرد، به سراغ قرآن رفت و از آن برای باور و عقیده‌اش تأیید گرفت و این خود، یکی از عوامل اختلاف در تفسیر آیات نیز شد. این البته یگانه مشکل نبود. اگر حدیث به واقع همان بود که از پیامبر و جانشینان آن حضرت صادر شده بود، حتی جمود بر آن هم چندان راه را متفاوت نمی‌کرد. بعدها که حدیث، در طول تاریخ اندیشه دینی، دستخوش فراز و فرودهای زیادی شد و طبعاً نمی‌توانست حاق و حقیقت دین را به روشنی قرآن برای مخاطبان بازگو کند، مشکل چند برابر شد. بنابراین، شعار بازگشت به قرآن و نه دین و یا تعالیم دینی، در نظر اینان، در چنین باوری ریشه دارد. قاسم احمد، نویسنده کتاب العوده الی القرآن، در کتاب خود به این نکته اشاره دارد و می‌نویسد:

و العوده الی القرآن هو أكثر الشعارات ملائمة لأمة محمد؛ لأن القرآن هو الرسالة التي جاء بها للبشرية و لأنه أفضل إجابة لشكواه من جميع كتب الحديث و كتب علماء الدين^۱؛ شعار بازگشت به قرآن، از آنجا که مناسب‌ترین چیز با وضعیت امت اسلامی است، بیشترین شعار امت محمد را تشکیل می‌دهد؛ زیرا قرآن همان رسالتی است که برای بشریت آمده و بازگشت به آن، بهترین پاسخگویی به دعوت آن است و به همین جهت، از تمامی کتابهای حدیثی و کتابهای عالمان دینی برتر است.

وی در ادامه، برای اینکه حدیث را نفی مطلق نکرده باشد، تصریح کرده که مرادش از نفی حدیث، نفی همه آن نیست:

و لا نغنی بالرجوع الی القرآن، ان نتخلص من جميع كتب الحديث و كتب علماء الدين^۲؛ مراد ما از بازگشت به قرآن، فارغ کردن خود از تمامی کتابهای حدیثی و کتابهای عالمان دینی نیست.

حسن حنفی (۱۹۳۵ م -) هم در مقدمه‌ای که بر کتاب قاسم احمد نوشته، تلاشهای صورت گرفته برای بازگشت به قرآن و به حاشیه راندن حدیث را بر اساس نظر مؤلف العوده الی القرآن،

۱. همان، ص ۱۴۴.

۲. همان، ص ۱۴۴.

تدوین بدون دلیل شرعی حدیث و ورود آن به معرکه‌های سیاسی معرفی کرده که برای اثبات حقایق گروهی و نفی گروه دیگر عمل کرده است:

قد تمّ تدوینہ و جمعہ - کما یقول - بلا سند شرعی. و قد تمّ ذلك، بناء علی أهداف سیاسیة... و هكذا دخل الحدیث فی متون المعركة السياسية و من ثمّ وجب اسقاطه كمصدر للتشريع والعودة الى القرآن والقرآن وحده^۱؛ تدوین حدیث - همان‌گونه که وی می‌گوید - بدون دلیل شرعی انجام گرفت و چنین کاری، پایه‌اش بر اهداف سیاسی بنا گذاشته شد و این چنین حدیث در معرکه‌های سیاست وارد گردید و از این رو، ضروری است که آن را از جایگاه منبع شریعت بودن خارج کنیم و تنها و تنها به قرآن بازگردیم.

شاید بر اساس این تحلیل است که مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری، در بررسی دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، آن‌گاه که چاره‌دردهایی را که سید تشخیص داده بود بر می‌شمرد، می‌نویسد:

بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین از نظر سید، به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. سید در بازگشت به اسلام، تنها بازگشت به قرآن را مطرح نکرده است.^۲

باید این مهم را بر این بیفزاییم که مردم آموزه‌های دینی را از سوی رهبران دینی‌شان می‌آموختند. یعنی مردم دینشان را نه از کتاب و حتی حدیث که از تفسیر و تحلیل رهبران دینی گرفته‌اند و به تدریج در طول زمان، میان آموزه‌های اصلی و اصیل و دین مردم، فاصله افتاد. بانیان شعار بازگشت به قرآن در صدد بودند تا مردم را بدون واسطه به خود قرآن، به عنوان مصدر اصلی تشریح دین، احاله دهند. در واقع، این تلاش می‌تواند ناظر به روایتی باشد که در آن، دین برگرفته از دهان مردم، از سوی همان مردم هم آسیب می‌بیند و زوال می‌پذیرد.

من دخل فی هذا الدین بالرجال، أخرجہ منه الرجال، کما أدخلوه. و من

۱. همان، ص ۸، مقدمه.

۲. مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، قم، انتشارات صدرا، بی تا، ص ۲۳.

دخل فيه بالكتاب و السنة، زالت الجبال قبل أن يزول^۱؛ هر کس به خاطر کسانی در این دین وارد شود، همان کسان او را از دین خارج می‌کنند و هر کس با کتاب خدا و سنت پیامبر وارد این دین شود، کوهها از جا کنده می‌شوند ولی او از دین جدا نمی‌شود.

به عبارت دیگر، شعار بازگشت به قرآن، همواره به عنوان شعار ایجابی تحلیل نمی‌شود، بلکه جنبه سلبی هم دارد. در این نگاه، بازگشت به قرآن، به معنای نفی منابع دیگر دینی است. در این نظریه، گفته می‌شود که پیامبر، تنها قرآن را از خود به یادگار گذاشت و رسالت او هم تبلیغ آموزه‌های وحیانی بود و بس. این اندیشه اگر چه ریشه تاریخی دارد و به دوران نخست اسلامی باز می‌گردد، اما حرکتی همواره یکسان نداشته و در طول تاریخ دچار فراز و نشیبهای زیاد شده است. در دوران خلیفه دوم، و از سوی او، شعار «حسبنا کتاب الله»^۲ سر داده شد و از تدوین حدیث و غیر قرآن تا یک قرن، جلوگیری به عمل آمد. بعدها نیز این سخن گاه به عنوان یک نظریه مطرح شد و توجه تعدادی از مسلمانان را به خود جلب کرد. تعدادی از سلفیون، نگاه به دین را از این زاویه پی گرفته‌اند. بعدها در بخشی از قلمرو اسلامی، گروههایی شکل گرفتند که تنها قرآن را به عنوان مصدر و منبع شناخت دین معرفی کردند. «القرآنیون»، با عنوان «اهل الذکر و القرآن»^۳ نهضتی که در شرق اسلامی سر برآورد، از آن نحله‌های فکری است که البته چندان نیابید و نتوانست آرمان و شعار خود را به درستی پایه‌ریزی کند و پیش ببرد. این نگاه، نگرانیهایی نیز برانگیخت. از این روست که محمد غزالی، سلفی معاصر، در بحث از بازگشت به قرآن، فرو گذاشتن همه ابزار و وسایل فهم متون دینی و مراجعه مستقیم به متون اولیه، بدون داشتن توان لازم، را آسیبی جدی در بازگشت به قرآن می‌شمارد.^۴ آنچه در این تحلیل در باره بازگشت به قرآن مطرح شده، همه واقیعت نیست. واقیعت این است که قرآن، کتاب مورد قبول همه فرقه‌های اسلامی است و با آن می‌توان همه را در زیر

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۱۳۸.

۳. ر.ک به: خادم حسین الهی بخش، القرآنیون و شبهانهم حول القرآن، مکتبة الصدیق، ۱۴۰۹ ق.

۴. کیف نتعامل مع القرآن، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

یک پرچم گرد آورد. آموزه‌های آن به گونه‌ای است که هم اندیشمندان و هم توده‌های دیندار را راضی و قانع می‌کند. هم با عصر گذشته سازگاری دارد و هم قابل انطباق با دوران پیشرفت و علم است. در یک کلام، مسلمانان بهتر از آن، وسیله‌ای نمی‌توانند یافت که تعالی مادی و معنوی آنها را تضمین کند و برآورد. قرآن بر اساس آموزه‌های حدیثی هم ملاک، معیار و سنجش درستی و نادرستی دیگر آموزه‌های دینی است. بنابراین، قرآن هم می‌تواند همگان را در زیر پرچم خود گرد آورد و به آنان عزت و تعالی بدهد و هم دین ناب را به آنان بیاموزد.

بازگشت به قرآن در ایران

اما در ایران وضع به گونه دیگری بود. ایرانیان نیز همانند سایر مسلمانان، از قافله ترقی و پیشرفت عقب مانده بودند، اما در این کشور، استعمار حضور مستقیم نداشت و رنج و تحقیر آن بر مردم این کشور محسوس و ملموس نبود. سلطه فکری بلا منازع قشر خاصی بر مردم این کشور و استبداد فراگیر توجیه شده و مبنای فره ایزدی پیدا کرده، که شاه و حاکم، سایه خداست، امر را اندکی متفاوت‌تر از جاهای دیگر کرده بود. از این رو، بازگشت به قرآن در ایران دیرتر و با الگو برداری از جاهای دیگر مطرح شد. گفته می‌شود که جنبشهای اصلاح طلبانه در ایران از اوایل سده سیزده و در پی آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های نوین علمی و فرهنگی آغاز گردید و نخستین طلوع آن در دوران فتحعلی شاه ظاهر شد.^۱ آغازگر و رونق دهنده بازگشت به قرآن، به مثابه یک حرکت فکری و اجتماعی در این کشور، روشنفکران دینی بودند. سید محمود طالقانی (۱۲۹۰-۱۳۵۸ ش)، مهدی بازرگان (۱۲۷۸-۱۳۷۳ ش)،^۲ محمدتقی شریعتی (۱۲۸۶-

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، صص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲. از مهدی بازرگان، چهار جلد کتاب با عنوان بازگشت به قرآن، منتشر شده است. وی در آنها کوشیده تا قرآن را معرفی کند و معارف آن را دسته بندی و به خوانندگانش عرضه کند. او در این آثار - همانند سایر آثارش - تلاش کرده تا مفاهیم قرآن را در زندگی روزانه هر مسلمان جاری کند و از آنها مفاهیمی قابل فهم و عمل و فارغ از کشمکشهای ذهنی و مدرسه‌ای ارائه نماید. در باره خصوصیات اندیشه دینی بازرگان، چند ویژگی آورده‌اند که از جمله بازگشت به قرآن است. ر.ک به: دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵، ج ۱، مقاله «بازرگان، مهدی».

۱۳۶۶ ش)، علی شریعتی (۱۳۱۲-۱۳۵۶ ش)^۱ و شماری دیگر مانند مرتضی مطهری (۱۲۹۹-۱۳۵۸ ش)^۲ نمایندگان این جریان فکری اند.

گویا سرنوشت همواره این کشور شیعی چنین است که مباحث اندیشه‌ای هم به دلیل ساختار ویژه آن، به طور معمول، به صورت وارداتی و گاه دفاعی و واکنشی، آن هم پس از سالها مطرح شدن در جهان دیگر و از جمله جهان غرب و در میان اعراب مسلمان، صورت بگیرد. مرتضی مطهری این واقعیت را چنین بازگو کرده است:

حرکتهای اصلاحی در جهان تشیع، حال و وضع دیگری دارد و با آنچه در جهان تسنن گذشت، تفاوت دارد. در جهان تشیع، سخن اصلاح کمتر به میان آمده است.^۳

به هرحال، اینکه چه کسی در ایران پیشگام اندیشه بازگشت به قرآن است، چندان مهم به نظر نمی‌رسد، زیرا طرح موضوع مهمی مانند روی آوردن به قرآن در جامعه‌ای که قرآن همواره در زندگی مردم حضور دارد، امر بس دشواری است. محمد اسفندیاری بر این باور است که سکه بازگشت به قرآن با قرائتی نوین در ایران، به نام آیت‌الله طالقانی ضرب شده است.^۴ طالقانی، دانش آموخته حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۱۸ از این شهر به تهران، زادگاهش، باز می‌گردد و در مسجد پدرش، مسجد قنات آباد، به تفسیر قرآن می‌پردازد. این کار او تا ۱۳۵۸ سال وفاتش کم و بیش ادامه می‌یابد. محمدتقی شریعتی هم که در زمره روحانیون نو اندیش ایران بود که بعدها از سلک روحانیت خارج شد، ولی از زری آن نه، سی سال، در دو شهر مشهد و تهران، مباحث دینی و از جمله قرآن را به علاقه‌مندان می‌آموخته است.

بی‌تردید استاد محمدتقی شریعتی - که روحش با اولیای خدا محشور باد - از پیشگامان بازگشت به قرآن در ایران به شمار می‌آید. وی در سال ۱۳۲۰ تفسیر قرآن را در جلساتی که به صورت

۱. ر.ک به: مقاله «تفسیر نوین، تفسیری نو از قرآن»، نوشته محمد مهدی جعفری، چاپ شده در یادنامه استاد

محمدتقی شریعتی، و نیز مقاله «اصلاح و اصلاح‌طلبی» در دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۳۴ - ۲۳۶.

۲. ر.ک به: مقاله «اصلاح‌طلبی» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

۳. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۵۶.

۴. پیک آفتاب، ص ۳۳۱.

سیار برگزار می‌شد، آغاز کرد^۱ و در سال ۱۳۲۳ کانون نشر حقایق اسلامی را در مشهد راه‌اندازی نمود که در بند هفتم شرح وظایف آن، «تعمیم تعلیم قرآن با تفسیر آن، بدون اصطلاحات بغرنج و پیچ در پیچ علوم بشری و عادت دادن عموم مسلمانان به تدبر در معانی این کتاب شریف»^۲ ذکر شده است. «این کانون، هدف خود را تجدید حیات اسلام و مسلمین می‌دانست و برای تحقق آن، بازگشت به قرآن، سرچشمه اصلی‌ای بود که باید اسلام را از آن گرفت و بر اندیشه و وجدان مردم جاری ساخت»^۳. وی در ۱۳۳۷ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد و منزل آیت الله میلانی (۱۲۷۴ - ۱۳۵۳ ش) به تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه مبادرت ورزید و در ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ در تهران، تفسیر قرآن درس داد.^۴ فعالیتهای تبلیغی استاد شریعتی چنان بود که مرحوم استاد مطهری در باره آن می‌نویسد:

در تحولات پس از ۲۰ شهریور (۱۳۲۰)، که تبلیغات ضد اسلامی و ضد خدایی در سطح فرهنگیان و دانشجویان و دانش‌آموزان اوج گرفت، استاد شریعتی یک‌تنه در خراسان به پا خاست و جهادی را که احساس کرد بر عهده اوست، آغاز کرد. این جهاد، آن چنان دشوار بود که سالهای متوالی خواب و خوراک و آسایش او را به حداقل ممکن رساند.^۵

اندیشه و شعار بازگشت به قرآن، همانند بسیاری از مفاهیم دینی دیگر در ایران، تحت تأثیر جریان غالب روشنفکری دینی در جهان اسلامی پا گرفته بود و با ترجمه آثاری از نوشته‌های اندیشمندان مسلمان عرب و با اطلاع از تحولات مغرب زمین، شروع شد، اما اوصافی مخصوص به خود داشت. این اندیشه، نه ویژگی سلفی‌گری تند را دنبال کرد که باید از سر تا پا به دوران خلافت و اسلاف بازگشت و نه آن جنبه سلب و تند نقد حدیث و کنار گذاشتن آن از جریان فهم دینی را مطرح ساخت.

۱. نک: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۷۶ - ۷۷، مشهد، ۱۳۶۶، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، ص ۴، مقدمه حسینیة ارشاد.

۴. همان، ص ۳۲.

۵. خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، مقدمه حسینیة ارشاد.

آمیختگی دین به پاره‌ای از خرافات و عقب‌ماندگی سیاسی - اجتماعی و علمی، سرمنشأ مطرح شدن بازگشت به قرآن در این دیار بود و بیشتر جنبه جنبش آفرینی و اصلاحی داشت. عموم پرچمداران بازگشت به قرآن، فعال سیاسی بودند و از منظر اصلاح سیاسی و از خاستگاه کلام خدا در پی آن بودند.

در میان اندیشمندانی که بازگشت به قرآن را مطرح کرده‌اند، نوعی اصلاح اندیشه دینی و احیاگری دینی مشاهده می‌شود که آن هم در ایران محسوس نیست. چهره‌های یاد شده، از وضعیت نامطلوب دینی نگران و منتقد آن بودند، اما داعیه اصلاح و احیای دینی در سر نمی‌پروراندند و از این بیشتر به رویکرد به قرآن و استفاده از آموزه‌های آن فرا می‌خواندند. اینان تلاش کردند در برابر پاره‌ای سؤالات که ذهن جوانان را به خود مشغول کرده بود، جوابیهایی مناسب از قرآن بیابند و مخاطبان خود را به تأمل بیشتر در این کتاب آسمانی فرا خوانند تا آنها از ناامیدی و سرخوردگی و رکود و جمود و سکوت در آیند. این تلاش مبارک، ثمر شیرینی داد و آنان توانستند با مجاهدتها و نوشته‌ها و سخنرانیهای خود، جریان فکری قدرتمندی را به وجود آوردند و رهبری کنند که هنوز هم ادامه دارد و بسیاری را به دنبال خود روانه کرده است.